

### درگیریهای وسیع مردم و جوانان شهر سردشت با نیروهای رژیم

میکنند. شعارهای مرگ بر خامنه ای، مرگ بر خاتمی و مرگ بر رفسنجانی طنین انداز میشود. هر لحظه بر تعداد تظاهرکنندگان افزوده میشود، میدان صلاح الدین حرکت کرده و از آنجا تا پارک شهر به حرکت ادامه میدهند. درپارک شهر به سازمان تبلیغات اسلامی حمله میکنند و درب و پنجره های این مرکز را هم درهم میشکنند. خانه های معروف به خانه های سازمانی که محل زندگی مقامات رژیم است نیز از تعرض مردم در امان نماند و شیشه تعدادی از پنجره های منازل عوامل رژیم شکسته

صفحه ۲

بیمارستان جانش را از دست بدهد. خانواده و بستگان صابر در ساعت ۴ بعد از ظهر جنازه عزیز از دست رفته خود را برای دفن به گورستان شهر سردشت میبرند که در مسیر تشییع جنازه، مردم زیادی به آنها ملحق میشوند. جمعیت خشمگین با رسیدن به پاسگاه شماره یک در خیابان کمربندی ضمن سردادن شعارمرگ بر جمهوری اسلامی، شیشه های پاسگاه را میشکنند. بعد از دفن جنازه صابر علیپور، جمعیت که تا آن لحظه به صدها نفر رسیده است با تظاهرات وارد سه راه "شیخ مولانا" شده و دوباره نیروهای مستقر درپاسگاه را سنگ باران

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران با صدور اطلاعیه های شماره ۱ و ۲ و ۳ خبر از تظاهرات و درگیری وسیع مردم شهر سردشت با نیروهای رژیم اسلامی داده است. طبق این اطلاعیه ها، ساعت ۲ بامداد روز دوشنبه ۱۷ شهریور ۸۲ مزدوران رژیم در سه راه "دولکان" واقع در منطقه "آلان" به یک ماشین تویوتا تیراندازی میکنند و راننده آنرا به اسم "صابر علیپور" زخمی میکنند. مزدوران جنایتکار رژیم به جای رساندن فرد زخمی به بیمارستان، او را با خود به پاسگاه "بیتوش" میبرند و تا صبح او را نگهداری میکنند. تاخیر و تعلل در رساندن راننده زخمی باعث میشود که او در

### به دانشجویان دانشگاههای کردستان

عبدالله شریفی  
abe\_sharifi@yahoo.com

یک هفته بیشتر به آغاز سال تحصیلی جدید نمانده است. فضای سیاسی جامعه ایران، متأثر از مبارزات مردم در خرداد و تیر ماه سال جاری، برای سرنگونی نظام اسلامی، دگرگون شده است. فازی جدید از روند جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی، باز شده است. مبارزات مردم از ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر، خیزش عادی، "شورش" و جنب و جوش، خودبخود و ساده مردم در تهران و شهرهای بزرگ ایران و از جمله سنجندج نیست، بلکه نقطه با اهمیتی از سیر تکامل جنبش رهایی از شر نظام اسلامی است. اهمیت این دوره را باید در روشنی، صراحت و گویایی این جنبش بررسی کرد. با این وجود سوال این است که این سال جدید تحصیلی چه اهمیتی دارد؟ مگر سالهای گذشته هم صحنه های کمی از رویارویی مردم با این نظام جنایتکار داشته ایم، چه ویژگیهای دیگر است که آغاز سال جدید تحصیلی را به یک واقعه سیاسی با اهمیت تبدیل میکند؟ ویژگیهای سیاسی جامعه کردستان چیست؟ در شهرهای کردستان در دبیرستانها و دانشگاهها قرار است چه اتفاق جدیدی روی دهد که باید محور توجه قرار بگیرند؟ جدل و جواب حول این دسته از سوالات

صفحه ۲



اساس سوسیالیسم انسان است. سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است. منصور حکمت

### آیا کومه له راه عبور سیاسی از تنگنای جدید را مسدود میکند؟ در حاشیه موضعگیری اخیر کومه له علیه حزب کمونیست کارگری



فاتح بهرامی

چشم انداز جمع کردن اردوگاه و اعلام تعطیل فعالیت نظامی کومه له در کردستان عراق، بدلیل تاریخ گذشته کومه له و بدلیل

صفحه ۳

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نامه ای از تهران برای مظفر محمدی

و یارانش

سالگرد کشتار

شهریور ۶۷

در خاوران

یک سند تاریخی

فتوای خمینی برای

کشتار ۶۷

صفحه ۴

تلویزیون انترناسیونال  
یکشنبه ها ساعت ۵:۳۰ بهارظهر  
تکرار: جمعه ها ساعت ۵:۳۰ بعدازظهر  
بوقت تهران  
در شبکه تلویزیونی کانال یک  
تلویزیون انترناسیونال روی شبکه اینترنت:  
www.wpiran.org/TV

رادیو انترناسیونال  
۲۱ متر—۱۳۸۸۰ کیلو هرتز  
۹ تا ۹:۲۰ شب بوقت تهران  
به دیگران اطلاع بدهید  
radio7520@yahoo.com  
Tel: 0044 7714611099  
اطلاعات و پیامگیر رادیو:  
0046 8 659 0755  
رادیو انترناسیونال روی اینترنت  
www.radio-international.org

## ◀◀ به دانشجویان دانشگاه‌های کردستان

باید بیشتر از این و مفصلتر مورد توجه قرار گیرد، آنچه اکنون بدان میپردازم میتواند مختصراً باز کردن این مباحث باشد.

ما بارها گفته ایم که با به دور جدیدی گذاشته ایم. این تنها یک نتیجه‌گیری تحلیلی نیست، تحقیقا هم میشود شاخصهای این دوره را دید. مردم در طول پروسه سلسله مبارزات خود برای انداختن نظام اسلامی، در مقطع ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر، این بار مستقیم و عریان یکرست و بدون حایل سراغ کل حکومت اسلامی رفتند. جالب اینجاست که بلافاصله بعد از اعتراضات کارگران بهشهر، جوانان ابتدا در دانشگاهها و سریعاً در خیابانها در کنار مردم آزادیخواه از کارگر و جوان و زن و مرد از معلم و پرستار و دانشجو کارمند و... همه جای خود را در این اعتراض یافتند. دیگر رنگی از دو خرداد و بقایای آن، رنگی از فراندوم و رنگی از امید واهی به تحول از بالا در میان نبود. پروسه تکامل مبارزه برای ساقط کردن نظام اسلامی، یک رنگتر از همیشه با شعار (مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد آزادی برابری) متحد شد و به میدان آمد. به این اعتبار این فاز جدیدی برای برانداختن حکومت اسلامی از طریق انقلاب را نوید میدهد. اکنون دیگر تنها نفرت و خشم از حاکمیت اسلامی نیست که رابطه مردم و دولت اسلامی را تعریف میکند، بلکه این نفرت زبان سیاسی خود را یافته است.

میشود با تعرض و روشنی شعار سرنگونی هم به خیابان آمد و روزها و شبها صحنه را داغ نگه داشت و استیصال رژیم و دارودسته اش را دید. دید که نیروهای روحیه باخته و دستگاه ترک برداشته، قادر به عقب راندن مردم متحد و مصمم نیستند.

با باز شدن مدارس تنها چندین میلیون دانشجو و دانش آموز نیستند که دور هم جمع میشوند و امکان ارتباط و بحث و تبادل نظر و مرور تجارب برایشان میسر میشود، بلکه این تجمع ها خانواده ای اینها، معلمان، کارمندان فرهنگی، مردم محلات و... را در خود جای میدهد. میشود نقشه خارج کردن کنترل محلات را از دست جمهوری اسلامی، در مدارس و دانشگاه بحث کرد و به میان مردم محلات برد. میشود از جوانب مختلف خارج کردن کنترل مدارس از قانون و احکام جمهوری اسلامی با هم قرار و مدار گذاشت. میشود حول این تصمیمات مشترک گروههای متنوع سازمان داد. پس جامعه چنان سیاسی شده که امکان متحد شدن فرا دانشگاهی و محلی، فرا صنفی شدن را پیدا کرده است. یعنی میشود، اعتراضات را از فلان دانشگاه یا دبیرستان شروع کرد و به تمام نقاط شهر به خیابانها کشاند. از هم این فراتر میشود از شهری به شهر دیگر هم رفت و سراسری تر عمل کرد. این موضوع تا آنجایی که به کردستان مربوط است این است که، جامعه کردستان بدلیل مقاومت مردمی در مقابل جمهوری اسلامی طی سالها، و

نفوذ اجتماعی کمونیسم و کمونیستها تا حدودی در فازی دیگری از تقابل با رژیم اسلامی قرار دارد. مردم کردستان مقاومت جدی از دستاوردهای انقلاب ۵۷، در اشکال مختلف را تجربه کرده اند. جامعه کردستان هیچگاه تره برای هیچ پروژه ای از این جناح و آن جناح رژیم خورد نکرده است. جریانات دولتی و ناسیونالیستهای کرد "فرهنگی" و سیاسی آبرو باخته هستند. این تجارب میتوانند نقطه قدرت باشند. از این کنکرت تر میشود گفت که جامعه کردستان نه تنها در سطح جنبشهای اجتماعی راست و چپ بلکه در سطح احزاب سیاسی نیز خود را حول دورنماهای کاملاً طبقاتی قطبی کرده است. نفوذ کمونیسم و حزب کمونیست کارگری در مقیاس توده ای در حدی است که حضور رهبران کمونیست، حضور رهبری حزب کمونیست کارگری در مهمترین شهر کردستان، سندنجد (که خود یکی از شهرهای مهم ایران نیز میباشد) را با حمایت مردم و استقبال بی نظیر روبرو میکند. بی افقی ناسیونالیسم کرد. تفرقه در این صفوف، مبدل شدن جریانات ناسیونالیست کرد به زایده سیاستهای قلدری نظامی آمریکا در منطقه، تجربه ۱۲ ساله فلاکت مردم کردستان عراق تحت سیطره جریانات قومی کرد، فاکتورهای مهمی در جدال راست و چپ جامعه به نفع مردم کردستان میباشد. وجود یک جنبش سراسری برای سرنگون کردن حکومت اسلامی، حضور فعال جامعه کردستان در این جنبش آن فاکتورهایی هستند

دوران مبارزات پراکنده و منفرد بسر رسیده است. باید برای دور دیگر از تعرضات سراسری آماده شد. تمام این قضایا به رهبری روشن و مصمم ربط پیدا میکند. حزب کمونیست کارگری آماده این مسولیت تاریخی است. این حزب برای این مهم خود را در معرض انتخاب شما قرار داده است. باید در مقیاس وسیع با این حزب ارتباط گرفت. از طریق این حزب میشود مبارزات محلی و موضعی را سراسری و قدرتمند کرد. برای سرنگونی رژیم منفور اسلامی و استقرار حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، برای تحقق رفاه و آزادی، برای باز گشت انسان و انسانیت به محور رشد و ارتقا زندگی، بایست به حزب کمونیست کارگری پیوست.

آغاز سال تحصیلی میتواند، نوید گردآمدن نیروی وسیع جوانان و دانش آموزان و دانشجویان حول مبارزه برای خلاصی از رژیم اسلامی و برای یک آینده خوشبخت، شاد، مرفه و آزاد و برابر باشد.

۶ سپتامبر ۲۰۰۳

\*\*\*

سهمینبه ۱۸ شهریور ۱۳۸۲ در حدود ساعت ۸ صبح تعدادی از جوانان تجمع کرده و بار دیگر به مرکز تبلیغات اسلامی واقع در پارک شهر حمله کردند و پنجره‌های آن را شکستند. با دخالت مزدوران رژیم جوانان متفرق شدند و بعد از مدت کوتاهی دوباره در محلی دیگر جمع شده و اینبار بانک بسیجیان را در همین منطقه مورد حمله قرار دادند و شیشه‌های آن را شکستند. صبح دیروز نیز تعدادی از مغازه‌ها بسته بود و نیروهای رژیم در میادین اصلی و چهار

تعدادی از مردم شهر سردشت مخصوصاً محلات اطراف چهار راه "آلان" حمله کرده بودند، این یورش با تقابل مردم روبرو میشود و در اثر تیراندازی و درگیری تعدادی از مردم و نیروهای رژیم زخمی میشوند و تعدادی از مردم نیز توسط ماموران رژیم دستگیر میشوند. اموال جلال فدائی، حاج خدر خمائی و عمر صالحی و کسی با اسم رحمان توسط مزدوران رژیم غارت میشود.

بنا به اخبار مندرج در اطلاعیه شماره ۳، بدنبال تظاهرات و درگیریهای روز دوشنبه، دیروز

## ◀◀ درگیریهای وسیع مردم و جوانان شهر سردشت با نیروهای رژیم

کردند مردم را متفرق کنند، حدود ۲۰ نفر که اساساً از جوانان هستند دستگیر شده اند. تظاهرات این روز تا ساعت ۹ شب کماکان ادامه می یابد. طبق اطلاعیه شماره یک کمیته کردستان حزب، دو روز قبل از این درگیری و تظاهراتها، یعنی روز شنبه ۱۵ شهریور، جمهوری اسلامی با بسیج صدها نفر از نیروهای مسلح خود به بهانه مصادره وسائل "قاچاق" به منازل

میشوند. نیروهای انتظامی رژیم با تیراندازی هوائی سعی در ایجاد وحشت و متفرق کردن مردم کردند که بی ثمر ماند. مردم و جوانان در ادامه حرکت اعتراضی در جمعیتی ۲ هزار نفره به طرف پادگان شهر حرکت میکنند و با سنگ و چوب آنجا را مورد حمله قرار میدهند. مزدوران ضد شورش با باتوم به جان مردم میافتند و سرانجام با پرتاب گاز اشک آور سعی

● ● ●

## آیا کومه له راه عبور سیاسی از تنگنای جدید را مسدود میکند؟

(ادامه از صفحه ۱)

سیاست "ضد آمریکائی" کومه له و ایجاد یک تغییر ریل در شیوه برخورد به حزب کمونیست کارگری بر مبنای برخورد به آمریکا و جریانات طرفدار آن، به گوشه ای از معضل ناشی از نتایج تعطیلی اردوگاه پاسخ بدهند. و این هدف نوشته ایست از آقای هلمت احمدیان در نشریه جهان امروز شماره ۱۱۲، که بهانه آن پاسخ به نوشته هائی است از حامد خاکی و جلال محمود زاده در نقد مطلب او در جهان امروز ۱۱۰. اما موضع کومه له از طریق نوشته اخیر هلمت احمدیان در برخورد به حزب کمونیست کارگری یک تفاوت با قبل دارد، گویا آخر خط است و لازم شده پرنسپ شان را هم به معرض حراج بگذارند. اگر در گذشته، کومه له معضلات لاینحل ناشی از سیاستهای راست روانه اش را به گردن جدائی ما میانداخت و یا در مقابل هر نقد ما به پراتیک و سیاستهایشان مهر چادری "دیپلوماسی" و لزوم رعایت حال "مام جلال" را نشان میدادند، اینبار از همکاری ما با سلطنت طلبان و کشف پتانسیل های او حزب کمونیست کارگری ایران و عراق برای رابطه با آمریکا حرف زده اند. در ادامه این نوشته راجع به حکمت زمینی این فرمایشات و ربط اینها به موقعیت امروز کومه له به چند نکته اشاره میکنم.

### "همکاری با سلطنت طلبان"، توجیه بی عملی در مقابل سلطنت طلبان

ابتدا لازم است یادآوری کنم در نوشته آقای احمدیان در جهان امروز ۱۱۲، چیزی که او را از نوشته حامد خاکی، "کومه له بی وظیفه"، در ایسکرا شماره ۱۷۰ برآشفته کرده فقط بی وظیفه خواندن کومه له نیست، بلکه بیشتر نکته دیگری است که ایشان آن را قلم گرفته است. و آن مشابهت قابل انتظار تحلیل هلمت احمدیان در جهان امروز ۱۱۰ با سخنان عبدالله مهدی و ناصر حسامی در مصاحبه

نیست و این در مرام و مسلکش هم نیست، و نمونه بارزش شکست مفتضحانه آنان برای کشاندن مردم به مراسمهای سالگرد مشروطیت بعد از ۱۸ تیر بود، حضور مردم را در ۱۸ تیر بو کشید و تمام توانش را بکار گرفت که در این تظاهراتها سرود ای ایران و شعار رفراوندوم را به مردم بفروشد. حزب کمونیست کارگری اجازه نداد و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و آزادی و برابری را به شعار مردم تبدیل کرد. چرا ناراحتید؟ چرا علیرغم هر اختلافی که با ما دارید بخاطر دست بالا پیدا کردن کمونیسم و چپ و بخاطر حاشیه ای شدن شعار و هدف جریان راست و ارتجاعی سلطنت طلب سرتان را بالا نمیگیرید؟ چقدر خوش نشینی در حاشیه جامعه و بی ربط بودن به مسائل واقعی در عرصه سیاست شما را مجاز میکند بغض تان را از قدرت حزب کمونیست کارگری با کلمات "همکاری با سلطنت طلبان" بترکانید؟ باور کنید اگر اتهام زدن و تصویر سازی کار ساده ای است که از هر کسی برمیاد، برای یک سازمان سیاسی مایه اعتبار نیست. درد شما متأسفانه اینست که حزب کمونیست کارگری پیش میرود و قدرتمند میشود، و این جواز کسب شما را برای انزوا از جامعه بی اعتبار میکند. همین جریان سلطنت طلب شب و روز از تلویزیون هایشان علیه کمونیسم و علیه آزادیخواهی و علیه حزب کمونیست کارگری و چپ اراجیف میبافند و تحویل مردم میدهند، شما کجا هستید؟ در همین تظاهراتها اگر حزب ما نسخه شما ها را میپذیرفت و خود را "آلوده" به حضور در میان صفهای پنج هزاری و ده هزار نفری مردم نمیکرد، آنوقت جریان سلطنت طلب یک برگ برنده روی میز پنتاگون میگذاشت که توده مردم را نمایندگی میکند، ما نگذاشتیم. آیا ما همکاری کردیم یا شما ناآگاهانه و بدلیل نفهمیدن اوضاع سیاسی ایران و مکانیزم مبارزه سیاسی به امر آنها خدمت کردید؟ میدانم که نیرویش را ندارد و توان سازمانی و نفوذ سیاسی شما و بقیه این "چپ" امکان چنین مقابله ای را به شما با راست نمیدهد، اما حداقل میتوانید حقیقت را تخطئه

و لگدمال نکنید. بروید سیاستهایتان و دلایل ناکامی های سیاسی تان را بازبینی کنید، به نفع خودتان است. اتهام زدن به حزب کمونیست کارگری شما را نجات نمیدهد.

### "رابطه با آمریکا" و "سکوت" ما در مقابل باند مهدی

هلمت احمدیان بطرز بسیار ناشیانه ای و در نهایت پرنسپ! احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق را به تلاش برای رابطه گرفتن با آمریکا متهم میکند. این را بشکل سوال مطرح میکنند و دلیل آنرا هم "سکوت تعجب آور" ما در قبال تلاش سازمان زحمتکشان برای ارتباط با آمریکا اعلام میکنند. او میگوید: "این حزب که همواره عملکرد سازمان زحمتکشان را در زمینه های مختلف زیر ذره بین گذاشته است، در قبال فیگور رابطه آنها با آمریکا سکوت کرده است. آیا انتقاد به تلاش برای رابطه گیری سازمان زحمتکشان با آمریکا مشکلاتی برای رابطه خودشان با سلطنت طلبان که تازه عامل دست چندم آمریکا هستند فراهم می آورد؟ آیا راه رابطه احتمالی حزب کمونیست کارگری عراق را با آمریکا سد میکند؟ آیا نمیخواهد با انتقاد به سازمان زحمتکشان راه رابطه گرفتن احتمالی خود با آمریکا را منتفی کند؟"

تمام حکمت نوشته آقای احمدیان همین چند جمله است. واقعا اگر ما سکوت هم کرده بودیم، کدام شیوه و سنتی بجز دست کردن در کیسه سنتها و روشهای نهادهای سرکوبگر بورژوازی برای پاپوش دوختن برای کمونیست ها و سازمانهای کمونیستی مطرح و شناخته شده ایشان را مجاز به دروغگوئی میکند؟ چگونه سکوت حزب کمونیست کارگری آنها در مقابل سازمان زحمتکشان تلاش برای رابطه با آمریکا را نتیجه میدهد؟ پائین تر به هدف از این اتهام میپردازم، اما فعلا بگذارید که خود دلیل ارائه شده را محک بزنم. ادعای "سکوت" ما دروغ است و من مانده ام که کومه له روز روشن در مقابل چشمان مردم چگونه به چنین دروغی متوسل میشود. برای اطلاع کسانی که احتمالا از موضوعگیری ما مطلع نباشند،

آدرس چند نوشته را در زیر میآورم که هر کدام در بحث خود از جمله تلاش سازمان زحمتکشان برای رابطه با آمریکا را "زیر ذره بین" گذاشته اند و اهداف و نتایج آنرا را بررسی و نقد کرده اند و هشدار داده اند. بخشی از این نوشته ها اینجا هستند:

\* یادداشتی برای ثبت و برای توجه اپوزیسیون - فاتح شیخ الاسلامی - ایسکرا ۱۵۲ ۲۰ فروردین ۸۲  
\* هشدار مجدد ... - رحمان حسین زاده - ایسکرا ۱۶۰ ۳۱ اردیبهشت  
\* ناسیونالیسم کرد در مرحله افلاس - ایرج فرزاد - ایسکرا ۱۶۷، ۱۸ تیر  
\* پیام عبدالله مهدی پرده ای فکاهی ... - عبدالله شریفی - ایسکرا ۱۶۸، ۲۵ تیر  
\* در مورد جبهه سازی اخیر ناسیونالیسم کرد - حسین مرادیگی - ایسکرا ۱۷۱، ۱۵ مرداد  
\* "جبهه کردستان"! کمپین شکست خورده باند مهدی - فاتح شیخ الاسلامی - ایسکرا ۱۷۳، ۲۹ مرداد.

از شش نوشته فوق پنج تای اول قبل از جهان امروز ۱۱۲ منتشر شده اند. اکنون کومه له باید به مردم و اعضایش پاسخ دهد که دلیل این اتهام بر پایه یک دروغ برای چیست و چه هدفی دارد. اتفاقا باید به جناب احمدیان یادآوری کنم که قضیه کاملا برعکس است، این حزب کمونیست کارگری است که از جمله به کومه له درباره جریان مهدی و موضع آن در قبال جنگ آمریکا و رابطه با آمریکا و عواقب آن هشدار داده است. فاتح شیخ الاسلامی و رحمان حسین زاده در همان دو نوشته اول لیست فوق نه تنها حرکت باند زحمتکشان را در رابطه با آمریکا "زیر ذره بین" میگذارند بلکه در مورد آن به شما، کومه له، هشدار میدهند و از خواب بیدارتان میکنند، و رحمان حسین زاده به این نکته تاکید میکند که باند زحمتکشان آماده است که برای نشان دادن ظرفیت و مطلوبیت خود نزد ژنرال های آمریکائی حتی لباس پلنگی ارتش آمریکا را برای جنگیدن با هر جریان چپ بیوشد، چرا



# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## آیا کومه‌له راه عبور سیاسی از تنگنای جدید را مسدود میکنند؟

خودتان را به کوچه علی چپ میزنید؟ این چه عاقبتی است که تحریف و وارونه کردن حقیقت را وسیله نجات خود میدانید؟ اتفاقاً مساله کومه‌له بر سر برخورد به سازمان زحمتکشان نیست، برعکس، مساله آنان تاکنون این بوده که ما به این جریان مهتدی "تند" برخورد میکنیم. آنچه که نزد کومه‌له به برخورد "تند" ما اشاره دارد مربوط به افشای قومپرستی، فدرالیسم ارتجاعی، روش و برخورد فاشیستی، خراب کردن نام کومه‌له و کلا افشای همه مواضع و پراتیک ارتجاعی باند مهتدی است. آیا نزد کومه‌له اینها در مقابل رابطه گرفتن جریان مهتدی با آمریکا کمتر مهم بودند که "دندان روی جگر" گذاشتند و از ما هم میخواستند که تند برخورد نکنیم یا اینکه ژست دو آتشه ضد آمریکائی امروزشان مصرف سیاسی روز دارد؟

### استاندارد دوگانه کومه‌له در برخورد به جریانات طرفدار آمریکا

اکنون که کومه‌له میخواهد بگوید مساله مهم برخورد به جریانات طرفدار آمریکاست، که البته در دو مورد قبلی محک جدیت آن معلوم شد، لازم است تا آنجا که لااقل به حرف و موضع برمیگردد به استاندار دوگانه کومه‌له به یکی دیگر از این جریانات اشاره ای بکنم. هلمت احمدیان علاوه بر اشاره امروزش به نزدیکی جریان مهتدی به آمریکا، به سلطنت طلبان هم اشاره میکند و میگوید سلطنت طلبان نوکر و دست نشاندۀ آمریکا هستند و بدون دخالت آمریکا شانس برای قدرت ندارند. سوال اینست که چرا کومه‌له همچنان در برخورد به احزاب ناسیونالیست کرد مطیع آمریکا، یعنی اتحادیه میهنی و پارتی، استاندارد متفاوتی دارد؟ جایگاه این سوال اتفاقاً برای اینست که تفاوت بین جدیت و تلاش برای مبارزه واقعی علیه هر جریان طرفدار آمریکا را با اعلام موضع صرف علیه یکی و سکوت در مورد دیگری را توضیح بدهد. چرا وقتی نوبت به کردستان و احزاب ناسیونالیست آن میشود

پاسخ شده همان فرمول های آشنای دیپلوماسی و حفظ تشکیلات را تحویل داده اند. اما واضح است که جواب آنها گوشه کوچکی از بعد مساله یعنی "محظورات" تشکیلاتی آنها در قبال این جریان ناسیونالیستی بوده است، جنبه اساسی تر مربوط به اینست که امثال اتحادیه میهنی جریانی است که از نظر کومه‌له "خودی" محسوب میشود و مشغول مبارزه برای "حقوق خلق کرد" است، و همین باعث میشود غیب اتحادیه میهنی بعنوان جریانی در خدمت اهداف آمریکا نزد کومه‌له پوشیده شود. جالب اینست در شرایط امروز و در جریان حمله آمریکا به عراق که دیگر اتحادیه میهنی و پارتی به جزئی از پیاده نظام ارتش آمریکا بدل شده اند و همچنین در وضعیتی که جلال طالبانی در مقابل کومه‌له مرحمتش را به باند مهتدی افزایش داده است، هنوز هم کومه‌له راجع به رابطه آمریکا با جریانات ناسیونالیست کرد در کردستان عراق ساکت است. حتی سرمقاله بی امضای جهان امروز ۱۰۴ تحت عنوان "رژیم عراق سقوط کرد"، آنجا که به تحلیل ساختار سیاسی مشابه افغانستان به عراق اشاره میکند، از جریانات ناسیونالیست کرد حرفی نمیزند. اشاره میشود: ". در تقابل با این وضعیت نه ناسیونالیسم عرب و نه ارتجاع اسلامی هیچکدام افق سیاسی پیشرو و روشنی را بر روی این مردم نمیکشایند"، و انگار که ناسیونالیسم کرد جزو ارتجاعی نیست که در حکومت نوع افغانستان شرکت دارد. در عوض، در پاراگراف آخر این نوشته چنین اشاره میشود: "مردم ستمدید کرد نیز (که) همواره در سنگر مقدم مبارزه بر علیه رژیم عراق بوده اند جایگاه شایسته خود را در نزد افکار عمومی، که در این دوره بشدت لطمه خورده است، در متن این همبستگی بین المللی دو باره پیدا کند." نکته اینست که نزد کومه‌له از بعد از جدائی ما تاکنون، مبارزه مردم ستمدیده کرد در سیمای مبارزه احزاب ناسیونالیست کرد تجلی یافته است. چه چیزی از نظر کومه‌له "در این دوره بشدت لطمه خورده است"؟ اگر منظور نمیتواند این باشد که جایگاه مبارزه مردم کردستان عراق، منهای افق و حرکت احزاب ناسیونالیست کرد،

ضربه خورده است، پس اشاره به "جایگاه شایسته" احزاب ناسیونالیست کرد دارد که جهان شاهد تبدیل شدن آنها به زائده نظامی ارتش آمریکا بوده است، و در اینصورت مساله همان است که اشاره کردم یعنی از نظر کومه‌له احزاب ناسیونالیست کرد تجلی و آئینه تمام نمای مبارزه مردم ستمدیده کردستان هستند، بنابراین قابل احترامند و نباید از آنها بعنوان یک نیروی ارتجاعی در خدمت منافع آمریکا حرف زد و به شرکتشان در دولت ارتجاعی شبیهه افغانستان اشاره ای کرد. این واقعیات و این دو استاندارد بودن کومه‌له در برخورد به سازمانهای طرفدار آمریکا به این نکته اساسی تاکید میکند که غلظت امروزی موضع کومه‌له در قبال بخشی از جریانات درون اردوی آمریکا مصلحت روز است و تابلویی است که میخواهد وضعیت جدید کومه‌له را توضیح دهد. اما پلائی که احزاب ناسیونالیست کرد در ۱۲ سال گذشته به سر مردم کردستان عراق آوردند، مردم کردستان را بشدت از عواقب زندگی تحت حاکمیت ناسیونالیسم کرد آگاه کرده است. از همین زاویه هم کارگران و مردم زحمتکش کردستان که شاهد عملکرد طالبانی ها از یکسو و مواضع و رابطه کومه‌له با این جریانات از سوی دیگر بوده اند، سوالات جدی ای را روی سر کومه‌له گذاشته اند که دیگر حفظ تشکیلات و دیپلوماسی جوابگو نیست.

**جمع کردن اردوگاه کومه‌له، پهن شدن بساط جدید**

بالاخره اکنون که معلوم شد سکوت ما در قبال تلاش سازمان زحمتکشان برای رابطه با آمریکا دروغ بود و در نتیجه بر این اساس کشف پتانسیل احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق در جهت رابطه گرفتن با آمریکا نامربوط است، و همچنین معلوم شد که کومه‌له در برخورد به جریانات طرفدار آمریکا دو استاندارد متفاوت دارد، سوال اینست که هدف کومه‌له از طرح بحث رابطه با آمریکا چیست و به حل چه معضلی از آنها قرار است خدمت کند؟ سر نخ این به ماجرای تعطیل شدن فعالیت نظامی کومه‌له در کردستان عراق وصل است. ابراهیم علیزاده در

## آیا کومه‌له راه عبور سیاسی از تنگنای جدید را مسدود میکنند؟

بدون اینکه خود را درگیر ماجرای اردوگاه کند قرار است به این معضل جواب بدهد. تلاش او گرچه ناشیانه بود اما این را دنبال میکرد که در متن برخورد به حزب کمونیست کارگری دو صف را ترسیم کند که تفاوت موضعشان نسبت به آمریکا آنها را از هم متمایز میکند. بنا به تصویری که وی میسازد، یک طرف کومه‌له قرار دارد که مخالف جریانات طرفدار آمریکا، البته نه همه، است و در سوی دیگر احزاب کمونیست کارگری ایران و عراق هستند که میخواهند با آمریکا رابطه بگیرند و کومه‌له با آن مشکل دارد! از نظر کومه‌له و هلمت احمدیان وضعیت جدید کومه‌له مسائلی را به کنار مینهد و مسائل جدیدی را مطرح میکند: کومه‌له دیگر در خاک عراق حضور نظامی آمریکا مجبور به ترک خاک عراق است، بنابراین کومه‌له مدال ضد آمریکا را به گردن دارد و این در شرایط جدید قابل استفاده است. کومه‌له نه از نظر فکری و سیاسی، بلکه از نظر سازمانی دیگر قید و بندها و محظورات گذشته را ندارد و حداقل لژیومی به تمکین در مقابل جلال طالبانی برای حفظ اردوگاه نمیبیند. دیگر هر بخشی که حول اردوگاه و مسائل مربوط به آن و از جمله دیپلوماسی و غیره که از جانب حزب کمونیست کارگری مطرح میشد به کنار میروند. منبع

بجز عرصه تحلیل و ابراز موضع کسی نمیتواند به کومه‌له درباره ناسیونالیسم کرد بند کند، اینهم مشکلی ندارد چون کومه‌له هیچ‌چنان نمیتواند مدعی سوسیالیسم باشد. دیگر از این پس آمریکا و رابطه یا عدم رابطه با آن یک کانال و معیار اساسی در جدال کومه‌له با حزب کمونیست کارگری نمیتواند بشود چون کومه‌له نقطه قدرت ضد آمریکائی دارد، خاصه اینکه بقیه جریانات "چپ" هم به این سمپاتی دارند. اگر در گذشته داشتن اردوگاه نقطه قدرت کومه‌له بود، از این بعد هم جمع کردن اردوگاه میتواند نقطه قدرت کومه‌له بشود چون پای آمریکا وسط است....

این بسته بندی و این منطق است که هلمت احمدیان را مجاز میکند که سوت بزند و آدامس رابطه با آمریکا را در دهان بگذارد. اتفاقی که افتاده این است که کومه‌له نیز متاسفانه به خیل وسیع کسانی که به ما آمریکائی گفته اند، پیوسته است. این خیل علاوه بر عناصر و سران جمهوری اسلامی جریاناتی مانند حزب توده و اکثریت را شامل میشود. البته از حق نباید گذشت که فعلا کومه‌له پتانسیل های ما را در این باره کشف و به معرض تماشا گذاشته است، حزب توده و جمهوری اسلامی هر روز دارند بما میگویند آمریکائی.

اما عرصه مبارزه سیاسی شعبده بازی نیست. روشی که کومه‌له میخواهد به آن با بگذارد برای احزاب جدی سیاسی با نفوذ اجتماعی مهلک است. قطعا هر سازمانی که زیاد کسی دور و برش نباشد و در نتیجه نگران ضربه خوردن حیثیت سیاسی اش نباشد، میتواند چنین روشی را اتخاذ کند، بخصوص اینکه دیگرانی که بغض و کینه ای از ما بدل داشته باشند را خوشنود میکند. امیدوارم کومه‌له در این راه محتاط تر باشد.

### در خاتمه

مشکل کومه‌له انفعال و انزوای سیاسی است و این یک درد مزمن است. تاریخ دوازده سال گذشته کومه‌له متاسفانه به کمونیسم و طبقه کارگر نامربوط است. ما آرزو داشتیم و تلاش کردیم که این کومه‌له به یک کومه‌له کمونیست تبدیل شود. علیرغم هر اختلافی، اینرا ما به نفع مبارزه مردم کارگر و زحمتکش در کردستان میدانستیم، خودشان نخواستند، و نه تنها این بلکه نام کومه‌له را هم دو دستی تقدیم باند زحمتکش کردند. در دوازده سال اخیر کومه‌له نتوانست معضل کاهش نفوذ و افت جایگاهش به نسبت کومه‌له دوره قبل از جدائی ما را جبران کند. دلایل سیاسی و اجتماعی آن البته روشن است، کومه‌له دیگر آن کومه‌له اجتماعی دخیل در مبارزه کارگر و زحمتکش کردستان نبود، خودشان هم چنین ادعائی ندارند. برای جذب نیرو هم مشکل اساسی داشته و دارد. زیرا از

یک طرف علیرغم اینکه هر چقدر هم حل مساله ملی در مرکز توجه و فعالیت و تبلیغاتشان پر رنگ تر میشد، باز هم امکان جذب نیروی اجتماعی ناسیونالیسم کرد به کومه‌له وجود نداشت و ندارد. دلیلش بسادگی اینست که حزب دموکرات حزب ناسیونالیسم سنتی کرد است و نیروی اجتماعی ناسیونالیسم کرد، هر چقدر باشد، برای پاسخ ناسیونالیستی به مساله کرد جذب حزب دموکرات میشود. از طرف دیگر انشعاب جریان ایلخانی زاده - مهتدی هم علاوه بر جذب طیف قومپرست و ابواب ناسیونالیسم کرد، بخشی از صف کومه‌له را با خود برد. و بالاخره طبقه کارگر و زحمتکش کردستان و بطور کلی نیروی گرایش چپ در جامعه کردستان سمت حزب کمونیست کارگری آمده و خواهد آمد. کومه‌له همواره حتی با این معضل روبرو بوده که بخشی از صفوف حضور خود در کومه‌له را با وجود حزب کمونیست کارگری همچون یک تناقض نگاه کرده اند. جذب نیرو به یک معضل جدی کومه‌له تبدیل شد. در سه سال گذشته و بعد از کودتای جریان مهتدی نیز، یک بخش اساسی مشغله و تلاش کومه‌له صرف این شد که نیرو به سازمان زحمتکش ندهد و یا تلاش کند که بخشی از پیشمرگان سابق کومه‌له را که "بنا بینی" بودند و یا سالهای طولانی از کومه‌له فاصله گرفته بودند در پرتو این انشعاب به خود جذب کند. خود تلاش برای جذب همین نیروی بینابینی و پیشمرگان سابق و یا کسانی که راه افتاده بودند که "اتحاد دو کومه‌له" را تأمین کنند، محافظه کاری غیر قابل وصفی را به سیاست کومه‌له در مقابل تعرضات جریان مهتدی تحمیل کرده بود. اینرا خودشان هم انکار نمیکنند، آنچه که به آن "دندان روی جگر گذاشتن" در طول سه سال گذشته اطلاق میکنند اشاره به همین سیاست دارد. لازم به توضیح نیست اگر کومه‌له جریانی بود که در اثر سیاست و پراتیک چپ و کمونیستی قادر به جذب نیرو در سطح جامعه بود، نیازی به این روش و سیاست برای حفظ تشکیلات و یا جذب تعدادی دیگر نداشت که مجبور به تمکین کردن در مقابل کودتای جریان مهتدی باشد. در چنین شرایطی که ادامه این

وضعیت مشکل جذب نیرو را برای کومه‌له مسجل کرده بود، آنها توجه خود را به سازمانهای "چپ" حاشیه ای و رو آوری به تبلیغ اتحاد و ائتلاف معطوف کردند، سازمانهایی که از همان ابتدای سال ۶۲ و تا قبل از جدائی ما همگی بطور هیستریکی علیه حزب کمونیست ایران بودند، اما بدنبال جدائی ما غمخوار کومه‌له شدند و هیستریشان به سمت حزب کمونیست کارگری چرخید. بخصوص در این اواخر که ضخامت طناب ارتباط کومه‌له با "مام جلال" از طریق توجه بیشتر طالبانی به باند زحمتکش نازکتر شده و ضمنا پس از تهدید نظامی دیگر افق نزدیکی با باند ایلخانی زاده و مهتدی تارتر شد، بناچار رو آوری کومه‌له به سازمانهای "چپ" ایران در دو سال اخیر سخنرانی ها و جلساتی گذاشتند و بر اهمیت اتحاد و به نیروی چپ منفرد تاکید گذاشتند. اما در میان این سازمانها، مستعفیون از حزب کمونیست کارگری، بدلیل سابقه فعالیت در حزب کمونیست ایران به نسبت بقیه بیشتر قابل توجه بودند. در این میان، تا آنجا که در سطح علنی معلوم است، پیام هیئت هفت نفره حزب کمونیست ایران که توسط محمد نبوی در کنفرانس بخشی از مستعفیون، "اتحاد سوسیالیستی کارگری"، قرائت میشود یک وجه بارز از این تلاش است که به ضرورت استحکام مناسبات فیما بین تاکید میکند و بر نقد بیرحمانه اشتباهات خودشان در گذشته نیز تاکید میکند و بنوعی از آنها هم همین درخواست را میکند. بهرحال مستقل از اینکه ائتلاف یا نزدیکی جمع "اشتباه کاران" به کجا میانجامد و چه میخواهد بکند، و یا راه توجه کردن به اتحاد و ائتلاف با سازمانهای "چپ" ایران چه دردی از کومه‌له دوا میکند، این راهی است که ناچار به امتحان آن شده اند. اما اینکه این درمان موثری برای درد مزمن انزوای کومه‌له باشد، جای تردید جدی است.

حزب کمونیست کارگری تلاشش را بسمت کسب قدرت سیاسی و رهایی جامعه از نکت جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری سوسیالیستی ادامه میدهد. میدانیم که هر اندازه که در سالهای اخیر حزب کمونیست

**به حزب کمونیست کارگری پیوندید!**

## نامه ای از تهران برای مظفر محمدی و یارانش

دوستان عزیز!

من از طرفداران پرو پاقرص منصور عزیز و حزب او هستم. بعد از دیدن سایت روزنه و خبر حضور مظفر محمدی و یارانش در ایران - کردستان، این نامه را برای شما نوشتم که به دلیل نداشتن اسکانر دیر بدست شما رساندم.

درد بر همه شما عزیزان

زنده باد افکار ژوبین

زنده باد حزب کمونیست کارگری

**الهه س** از تهران

### درد بر شما مردم آزادیخواه سنندج

مردم سنندج یک بار دیگر دیوارهای اختناق جمهوری اسلامی را در هم شکستند و در میان خفقان سیاه جمهوری اسلامی مردم شجاع سنندج با رفیق مظفر محمدی در پارک آبی در دیدن کردند.

مردم کردستان دیگر آگاه هستند و خواهان آزادی و برابری و داشتن یک دنیای بهتر. این جلوه ای از نمایش دفاع از انسانیت و حقوق مدنی شهروندان جامعه بود. این هم نوعی حرکت دیگر همچون ۸ مارس و اول ماه مه در کردستان بود.

با تشکر از شما مردم سنندج و از رفیق مظفر محمدی و همراهان او که در میان مردم سخنان ژوبین عزیز را انعکاس دادید. تراکت و نشریه و ادبیات حزب را در میان مردم دست بدست کشتن کار ساده ای نیست. همه جا صحبت از حزب

کمونیست کارگری و شهامت و جسارت این حزب است. بدانید که شما صحنه های بزرگ شکوهمندی و از نبرد قدرت و نفوذ معنوی کمونیسم را به تاریخ معاصر جامعه اضافه کردید و شما اهداف و برنامه و سیاست های خود را بر مبانی

کمونیسم منصور حکمت قرار داده اید. جمهوری اسلامی باید بداند که منصور حکمت هنوز زنده است و دنیا از آن ماست. منصور حکمت که با آزادیخواهی اش به ما نشان داد شهامت و شجاعت و شور جوانی را. این حرکت اخیر شما من را

مصمم تر از قبل کرد که اهداف و سیاستها و کادری این حزب به معنی واقعی در میان کارگران و زحمتکشان جای دارند و رفقتن چنین حزبی به سمت قدرت سیاسی بسیار واقعی و ملموس است.

**زنده باد مردم کردستان و رفیق مظفر محمدی و یارانش**

**زنده باد کمونیست کارگری**

### کمیته کردستان حزب

رحمان حسین زاده (دبیر کمیته)

تلفن:

0046739855837

ای میل:

r\_hoseinzadeh@yahoo.com

### مسئول روابط عمومی

خالد حاج محمدی

تلفن:

0046707485754

ای میل:

khaledhaji@yahoo.com

دادستان انقلاب و یا دادیار و نماینده وزارت اطلاعات لازم الاتباع میباشد. رحم بر محاربین ساده اندیشی است. قاطعیت اسلام در برابر دشمنان خدا از اصول تردیدناپذیر نظام اسلامی است. امیدوارم با خشم و کینه انقلابی خود نسبت به دشمنان اسلام رضایت خداوند متعال را جلب نمائید. آقایانی که تشخیص موضوع به عهده آنان است وسوسه و شک و تردید نکنند و سعی کنند "اشداء علی الکفار" باشند. تردید در مسائل قضائی اسلام انقلابی نادیده گرفتن خون پاک و مظهر شهدا میباشد.

والسلام روح الله خمینی

## اطلاعیه حزب کمونیست کارگری ایران در رابطه با جنایت تروریستی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

### جنایت تروریستی علیه مردم آمریکا را محکوم می کنیم

اقدام تروریستی امروز علیه مردم آمریکا جهان را بهت زده کرده است. در یک عملیات شنیدنی ضد بشری، چهار هواپیمای مسافربری را ربودند تا آنها را، همراه سرشنیانشان، بعنوان بمب و موشک به هدف بکوبند. دو آسمانخراش عظیم را در مرکز نیویورک، به تلی از خاک بدل کردند و دهها هزار نفر ساکنین آن را بخون کشیدند. این یک فاجعه عظیم است. یک نسل کشتی تمام عیار است. حزب کمونیست کارگری ایران این جنایت کم سابقه علیه بشریت را محکوم میکند و همدردی عمیق خود را با همه قربانیان این فاجعه اعلام میکند. واقعیت اینست که تروریسم اکنون دیگر به یک رکن ثابت جدال و کشمکش دولت ها و جنبشهای ارتجاعی در جهان امروز بدل شده است. دارند ما را با این تصاویر خو میدهند. جنایات تروریستهای دولتی و غیر دولتی، از ناتو و اسرائیل و ایران و عراق و افغانستان، تا گروههای مختلف جنبش کثیف اسلامی، در صدر اخبار هر روز جهان است. فاجعه نیویورک نشان داد که اکنون دیگر نسل کشتی و در خون غرق کردن مردم در چنین ابعادی نیازی به حکم و فرمان دولتی ندارد. این، در عصر ما، در توان هر سکت و گروه کوچک متعصب نیز هست. فاجعه نیویورک، حلقه ای در تشدید این مسابقه تروریستی است. باید به این روند خاتمه داد. حزب کمونیست کارگری ایران بشریت آزاده و متمدن و همه آزادیخواهان و انساندوستان جهان را به یک مبارزه مستقل با تروریسم، اعم از دولتی و غیر دولتی، فرامیخواند.

### حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

۲۰ شهریور ۱۳۸۰

## سالگرد کشتار شهریور ۶۷ در خاوران

ساعت ۹ صبح روز جمعه ۷ شهریور مراسم با شکوهی به یاد جانبختگان کشتار سال ۶۷ در گورستان خاوران برگزار گردید. صدها تن از مردم در این مراسم شرکت کردند و یاد جانبختگان این سال را در فضایی پرشور گرامی داشتند. مراسم با یک دقیقه سکوت به یاد همه جانبختگان راه آزادی و برابری آغاز شد. در ادامه یکی از زندانیان سیاسی که تازه از زندان آزاد شده بود سرودی را خواند که مورد استقبال جمعیت قرار گرفت. دسته های گل و عکس های مختلف و اعلامیه ها و پوسترها و به وجب گورهای جانبختگان را پوشانده بود. سرود و شعر و هلهله به مراسم جلوه ای ویژه داده بود. جمعیت پس از ساعتی در حالیکه سرود میخواند در اطراف خاوران به حرکت در آمد. سرود انترناسیونال در یک زمان طنین انداز شد. و بعد سرود "زندانی ای اوج فریاد" فضای گورستان را در برگرفت. اشعاری به یاد جانبختگان و در دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزات آنان خوانده شد و مورد توجه و استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت.

یاد آوری کنیم که بمناسبت سالگرد کشتار سال ۶۷ تظاهراتی

## این فرمانده راحل، رهبر همه جناحهای رژیم جنایتکار اسلامی است

یک سند تاریخی از فتوای خمینی در فاجعه کشتار شهریور ۶۷

بسم الله الرحمن الرحيم

از آنجا که منافقین خائن به هیچوجه به اسلام معتقد نبوده و هرچه میگویند از روی حیله و نفاق آنها است و به اقرار سران آنها، از اسلام ارتداد پیدا کرده اند و با توجه به محارب بودن آنها و جنگهای کلاسیک آنها در شمال و غرب و جنوب کشور با همکاریهای حزب بعث عراق و نیز جاسوسی آنان برای صدام علیه ملت مسلمان ما و با توجه به ارتباط آنان با استکبار جهانی و خدمات ناجوانمردانه آنان از ابتدای تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران تاکنون کسانی که در زندانهای سراسر کشور بر سر موضع نفاق خود پافشاری کرده و میکنند محارب و محکوم به اعدام میباشدند و تشخیص موضوع نیز در تهران با رای اکثریت آقایان حجت الاسلام نبیری دامت افاضاته و جناب آقای اشراقی و نماینده ای از وزارت اطلاعات میباشد اگر چه احتیاط در اجماع است. و همینطور در زندانهای مراکز استان کشور رای اکثریت آقایان قاضی شرع،